



## بررسی مبانی فقهی روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی (ره)

نسرین بهرامیان<sup>۱</sup>

عباس گل‌گون<sup>۲</sup>

### چکیده:

خصوصیات اجتماعی و نیازهای فطری، غریزی و عقلانی انسان همواره منشاء پیدایش رابطه میان انسان‌ها بوده است. تاریخچه این روابط نیز از زمانی آغاز شد که بشر برای رشد و تکامل خود مجبور به همکاری با محیط پیرامون و رشد و گسترش این رابطه گردید. به دلیل بهره‌مندی هر سرزمینی از مواهب خدادادی خاص و عدم تمرکز آن در همه سرزمین‌ها، انسان اجتماعی از زمان‌های دور در قالب واحدهای اجتماعی بدوی و جوامع ابتدایی سعی نموده از طریق ارتباط با دیگر جوامع برکمال خویش بیافزاید و از این رهگذر، تبادل، اثرگذاری، تأثیرپذیری، امری بدیهی میان جوامع انسانی و انسان‌ها بوده است. بنابراین، اصل رابطه برای انسان، به عنوان یک موجود اجتماعی اصلی اجتناب‌ناپذیر است. در این پژوهش، ضمن بررسی ضرورت روابط بین جوامع بشری، و سیر تحول این رابطه، به خصوص در قالب ارتباطات نوین تحت عنوان روابط بین‌الملل، دیدگاه حضرت امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه نسبت به روابط بین‌الملل از منظر فقه را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

**کلید واژگان:** مبانی فقهی، روابط بین‌الملل، امام خمینی (ره)، روابط اسلامی.

۱. دانشجوی کارشناسی گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان، ایران (نویسنده مسئول): n.bahramiyan<sup>۶۹</sup>@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان، ایران: ab.golgon@yahoo.com



### مقدمه

با آغاز رنسانس و انقلاب فکری- صنعتی و پیدایش اشکال جدیدی از منافع، مناسبات کشورها وارد مرحله نوینی شد و منفعتهای اقتصادی و صنعتی جدید، تحول عظیمی را در روابط بین کشورها رقم زد.

همچنین بعد از پایان جنگ جهانی دوم و به وجود آمدن نظام نوین بین الملل متأثر از طرفهای درگیر جنگ و تأسیس نهادهای بین المللی و سازمان ملل متحد، روابط جامعه جهانی با واحدها و بازیگرانی بیش از گذشته در مرحله جدیدتری گام نهاد و کیفیت مناسبات در این جامعه بین الملل- با بازیگران بی شمار- از اهمیت حیاتی برای کشورها و دیگر واحدهایی نظیر: نهادهای بین المللی، شرکت های چند ملیتی، ملت ها و افراد نخبه، برخوردار شد. امروزه مقصود از روابط بین الملل و مفهوم آن؛ مجموعه اقدامات و رفتارهای متقابل بین واحدهای جامعه جهانی است که دارای ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با اهداف دوستانه، تفاهم و یا رقابت آمیز در سطوح رسمی و غیر رسمی می باشد. (قربان زاده؛ صص ۱۸-۱۶)

آنچه امروزه از واقعیات روابط بین الملل مشهود است، این است که عموماً ماهیت اصول و روش ها در روابط بین الملل، سیاست بین الملل و دیپلماسی با موازین انسانی و اخلاقی سازگار نیست و آمیختگی آن با مواردی همچون شیوه های زیرکانه و شیطنت آمیز، دسیسه، فریب، توطئه های گوناگون، اتکاء به قدرت، سوء استفاده از ضعف ها، تطمیع، حمایت های موسمی و صوری، تحمیق و ایجاد خوش بینی، تزویر و ریا، تهدیدات و اظهارات دروغین، رفتار حاکمانه، عهدشکنی، فریب کاری و نفاق و دیگر اصول و روش های منفی، کاملاً آشکار است. (عمید زنجانی؛ ۱۳۸۸؛ صص ۲۶۲ و ۲۵۶) روابط قدرت های استکباری با کشورهای دیگر از مصادیق آشکار استفاده از اصول و روش های منفی در دنیای امروز است.

نیکولو ماکیاوولی از پدران سیاست منهای اخلاق در غرب، همواره شهریان را برای اثبات حکومت و شهریاری شان به استفاده از شیوه های ناپرهیزگاری توصیه می کند. (ماکیاوولی؛ ص ۱۳۳) همچنین آنان را به شجاعت در برابر سرزنش دیگران و پایداری در دارا بودن صفات ناپسند دعوت می کند و روش دستیابی به کامیابی را در استفاده از اصول و شیوه های منفی می داند: «شهریار نمی باید از سرزنش دیگران به سبب داشتن خیم های بدی بهراسد که بی آنها دولت وی به آسانی پایدار نمی ماند. زیرا، چون نیک بنگریم، می بینیم خیم هایی هست که فضیلت به شمار می آیند، اما به کار بستن شان سبب نابودی می شود. حال آن که خیم هایی دیگر هست که رذیلت ها به نظر می آیند، اما ایمنی و کامروایی به بار می آورند» (همان؛ صص ۱۳۴-۱۳۵)

پیامبر اکرم (ص) بر اساس رسالت الهی خویش برای دعوت مردم به سوی خدا (احزاب/۴۶) و گسترش عدل و قسط (حدید/۲۵) ناگزیر از برقراری رابطه و اتخاذ راه های دیپلماتیک برای تحقق رسالت خویش بوده است. سیره پیامبر (ص) در



مسئله دعوت و برقراری ارتباط با انسان‌های پیرامون خویش، گروه‌ها، قبایل و کشورها و الگوهای ارائه شده از اصول و روش‌های دیپلماسی در آیات قرآن، دیپلماسی اسلامی را با انسانی‌ترین، مترقی‌ترین و پویاترین نوع روابط بین‌الملل و رفتار سیاسی معرفی می‌کند.

عباسعلی عمید زنجانی در فقه سیاسی، شیوه‌ها، اصول و ضوابط رفتار سیاسی پیامبر(ص) را امتیاز دیپلماسی پیامبر(ص) می‌داند و می‌گوید: «امتیاز دیپلماسی پیامبر اسلام(ص) در این است که شیوه‌های پیامبر اکرم(ص) بر قوانین اجتماعی و جهان‌بینی واقع‌بینانه و اصول و ارزش‌های انسانی متکی بود و اساس آن را اصول و ضوابطی تشکیل می‌داد که از وحی و موازین شناخته شده عقلی نشأت می‌گرفت.» (عمید زنجانی؛ ۱۳۸۸؛ ص ۲۷۲) شیوه‌ها و اصول روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فکری در مکتب اسلام همواره انسان دوستانه است؛ چرا که هدف عمده در این روابط، سعادت اخروی و دنیوی بشر است و پیامبر(ص) هیچ‌گاه از ضد ارزش در پیشبرد اهداف خویش استفاده نکرد؛ چه آن‌که دستیابی به اهداف متعالی در رسالت اسلامی، نمی‌تواند با هر وسیله و ابزاری محقق شود و هدف در دیپلماسی اسلام، هیچ‌گاه وسیله را توجیه نمی‌کند.

### اصل دعوت در روابط بین‌الملل اسلام

اصل دعوت، اساس فعالیت همه انبیاء الهی برای اصلاح و هدایت جوامع بوده و ترویج ادیان در زمان حیات هر پیامبر و نیز بعد از آن مرهون این اصل اساسی است. دین، اعتقاد قلبی به یگانگی خدا و برنامه کامل و جامع زندگی است که می‌تواند سعادت دنیا و آخرت را به دنبال داشته باشد و هدف ارسال رسل و انزال کتب از جانب خداوند، چیزی جز سعادت و تکامل بشر نیست. اصل دعوت، به این امر باز می‌گردد که چگونه می‌توان برنامه صحیح و متعالی زندگی (دین) را میان انسان‌ها محقق ساخت. از آنجا که نوع انسان موجودی صاحب شعور و عقلانی است و اسلام نیز برای عقل انسان کرامت و ارزش خاصی قائل است و در کنار مسائل فطری و درونی، به عقلانیت و تفکر و استدلال و منطق نیز ارجح می‌نهد، تنها پذیرش آگاهانه و اختیاری دین است که مفید به فایده خواهد بود و اجبار و اکراه در پذیرش دین، هدایت و سعادت انسان‌ها را به بار نخواهد آورد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی؛ در دین، هیچ اجباری نیست، راه راست از گمراهی آشکار است» (بقره/۲۵۶) مفسرین، «اکراه» را در این آیه، این‌گونه معنی کرده‌اند: وا داشتن کسی به عملی که در اثر تهدید باشد و شخص به منظور رهایی از خطر، آن را بجای آورد. (حسینی همدانی؛ ج ۲، ص ۳۰۶)

اما، چرا اکراه و اجبار در دین و دینداری نمی‌تواند مؤثر باشد؟ اول این‌که دین اسلام دارای استدلالات روشن و منطقی و معجزات آشکار است و چنین دینی اصولاً نیاز به استفاده از اجبار و اکراه در ترویج عقاید و آداب خود ندارد و فضائل اعتقادی و اخلاقی، به طور طبیعی منطبق بر فطرت و درونیات انسان است. دوم این‌که اساساً چون دین با افکار، اعتقادات و درونیات



انسان‌ها مرتبط است؛ استفاده از اجبار و فشار، نمی‌تواند آن را تغییر دهد. از این‌رو؛ بسیار بدیهی است که بحث هدایت در ادیان الهی، با بحث دعوت و ارسال کتب همراه باشد. امام خمینی (س) می‌فرماید: «قرآن یک کتاب دعوت است که انسان را به اصل حقایق دعوت می‌کند.» (اردبیلی؛ ج ۳، ص ۵۹۰) همچنین، علاوه بر این که فلسفه نزول قرآن به اصل دعوت باز می‌گردد؛ آیات فراوانی در قرآن وجود دارد که در آن به استفاده از اصل دعوت توصیه شده و اصول و مبانی و روش‌های دعوت را برای هدایت انسان‌ها تبیین می‌کند. توجه به شیوه‌های دقیق دعوت و بیان ضوابط و اهداف آن در قرآن، نشان‌دهنده این واقعیت‌ها است که اصل دعوت در اسلام، اصلی‌ترین راهبرد در رفتار سیاسی و روابط بین‌المللی اسلام است. (یوسف/۱۰۸، یونس/۲۵، احزاب/۴۶ و نحل/۱۲۵)

خداوند در سوره نحل، اصول و روش دعوت را این‌چنین ترسیم می‌کند: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه والموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است مجادله نمای.» (نحل/۱۲۵) دعوت در این آیه، بر سه مبنای اساسی حکمت، موعظه نیکو و جدال احسن ترسیم شده است. مفسرین در تفسیر این سه اصل گفته‌اند: حکمت به معنی علم، دانش و منطق و استدلال است و از آنجا که علم و دانش، مانع فساد و انحراف است؛ به آن حکمت گفته می‌شود. گام نخست در دعوت به سوی حق، استفاده از سخنان منطقی و بیان استدلال و بیدار ساختن اندیشه و خرد مردم است و در حقیقت، حکمت از بُعد عقلی وجود انسان استفاده می‌کند.

موعظه حسنه و اندرز نیکو دومین روش دعوت است. از آنجا که موعظه حسنه و اندرز، محرک عواطف است؛ می‌تواند خیل عظیمی از انسان‌ها را به سوی حق هدایت کند. قرآن در این روش از جنبه عاطفی وجود انسان استفاده می‌کند. مناظره و جدال احسن نیز برای آن دسته از کسانی است که اندوخته‌های ذهنی نامناسبی دارند و باید ذهن آنان را برای پذیرش حق، توسط مناظره و جدال احسن حالی کرد. (مکارم شیرازی؛ ج ۱۱، صص ۴۵۷-۴۵۵) بنابراین؛ آنچه از آیات قرآن به دست می‌آید، نشان از این مسئله مهم دارد که اصل دعوت به عنوان اصلی‌ترین راهبرد قرآن در ابلاغ پیام الهی و راهنمایی مردم به صراط مستقیم مطرح است.

از آنجا که رسول اکرم (ص) مأمور به ابلاغ وحی خداوند است، روش و منش ایشان نیز در تحقق امر هدایت بر مبنای اصل دعوت است. شیوه‌های دیپلماسی پیامبر (ص) عبارتند از: دعوت مستقیم، ارسال نامه، سفیر و مبلغ برای دعوت از سران کشورها، گروه‌ها و قبایل، مذاکره با نمایندگان کشورها و قبایل، تشکیل مجامع گفتگوی دینی، و موارد دیگری از این دست که نشان از اهمیت اصل دعوت در امر هدایت دارد. (عمید زنجانی؛ ۱۳۸۸؛ ص ۲۷۷)

عمید زنجانی ضمن بررسی دیپلماسی و رفتار سیاسی پیامبر اکرم (ص) در فقه سیاسی، از اصل دعوت به عنوان عنصر



ثابت و روح فعالیت‌های پیامبر(ص) در امر رسالت نام می‌برد و می‌گوید: «دعوت به عنوان اساسی‌ترین راهبرد پیامبر(ص) در روابط خارجی، عنصر ثابت و روح کلیه فعالیت‌های دیپلماتیک پیامبر(ص) به شمار می‌رفت و به همین دلیل، در کلیه مذاکرات و اعزام سفرا و ارسال نامه‌ها و پیام‌ها، اساس کار مبتنی بر دعوت بوده است.» (همان؛ ص ۳۰۲)

همچنین، از آنجا که اصل دعوت مبتنی بر عقل و منطق و منطبق با فطرت انسان است؛ با رجوع به سیره سیاسی امام خمینی(س) در دوران مبارزات و فرآیند انقلاب اسلامی و همچنین بعد از پیروزی انقلاب و ایده گسترش فرهنگ انقلاب، در می‌یابیم که اصل دعوت در همه این مراحل باعث تحقق انقلاب و گسترش آن شده است. ایجاد روشن‌گری برای مردم از طریق ایراد سخنرانی و ارسال پیام و نامه و مذاکره با علماء، از عمده روش‌های امام در پیروزی انقلاب است که این روش‌ها همان‌گونه که ذکر شد، منبعث از اصل دعوت در اسلام است. بعد از پیروزی انقلاب نیز گفتمان‌هایی چون صدور انقلاب و تبلیغات در کلام و سیره امام مبتنی بر اصل دعوت است. ارسال پیام به کنگره حج، گوش‌زد نمودن اهمیت تبلیغات، اخلاق خوش و رفتار مناسب اسلامی به نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور، از شیوه‌های دیگر امام در مسئله صدور انقلاب است که همگی به استفاده از اصل دعوت اشاره دارد. برخی از آراء و اصول سیاسی امام که برگرفته از اصل دعوت است، عبارتند از:

#### ۱. حسن رابطه در روابط بین‌الملل اسلام

«امروز دنیا مانند یک عائله و یک شهر است، و یک شهر دارای محله‌های مختلفی است که با هم ارتباط دارند. وقتی دنیا وضعش این‌طور است، ما نباید منززل باشیم... اسلام یک نظام اجتماعی و حکومتی است و می‌خواهد با همه عالم روابط داشته باشد.» (امام خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۱۹، ص ۴۱۳)

«ما با همه ملت‌های عالم می‌خواهیم دوست باشیم... می‌خواهیم که روابط حسنه، با احترام متقابل نسبت به همه داشته باشیم. مگر این‌که دولت‌هایی باشند که با ما خلاف رفتار کرده باشند و بخواهند به ما ظلم بکنند.» (همان؛ ج ۱۱، ص ۱۵۳)

#### ۲. صدور ارزش‌ها

"ما که می‌گوییم «انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم»،... می‌خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیدا شده، همین معنوبیتی که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که در ایران پیدا شده، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم." (همان؛ ج ۱۳، ص ۹۰)

#### ۳. رفع فتنه از کل عالم

«غایت، رفع فتنه است؛ یعنی، اگر ما پیروز هم بشویم، یک کمی فتنه را کم کردیم، اگر ما به جای دیگر هم پیروز بشویم،



باز یک جای کمی پیروزی حاصل شده است. اگر همه دنیا را هم ما فرض کنید که جنگ بکنیم و پیروز بشویم، باز همه دنیای عصر خودمان را پیروزی درست کردیم، و قرآن این را نمی گوید، قرآن می گوید: «جنگ تا رفع فتنه»؛ باید رفع فتنه از عالم بشود.» (همان؛ ج ۱۹، ص ۱۱۶)

#### ۴. وحدت و برادری میان مسلمانان و همه بشریت

«امروز روزی است که [باید] تمام مسلمین تمام بلاد عالم با هم مجتمع بشوند. امروز روزی نیست که یک دسته‌ای در یک جا بگویند ما خودمان، یک دسته‌ای دیگر در جای دیگر بگویند ما خودمان. امروز روزی است که همه به دستور اسلام، به دستور قرآن کریم [باید] با هم متحد باشند، تنازع نکنند.» (همان؛ ج ۱۳، ص ۱۵۳)

«ما مفتخریم و ملت عزیز سر تا پا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی، که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می‌زند،... نجات دهد.» (همان؛ ج ۲۱، ص ۳۹۶)

#### ۵. تشکیل حکومت جهانی اسلام

«ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم.» (همان؛ ص ۸۱)

«امید است که بیرق پرافتخار اسلام در تمام نقاط ارض به اهتزاز درآید.» (همان؛ ج ۹، ص ۳۲۸)

#### قاعده حفظ دارالاسلام

حفظ دارالاسلام از جمله مسائلی است که در روابط بین‌الملل اسلام مورد توجه است و اهمیت حفظ آن یکی از موضوعات مهم دیپلماسی اسلامی است. البته درباره تقسیم جهان به دارالاسلام، دارالکفر و دارالحرب، مستندات قرآنی وجود ندارد و فقها، تنها با استفاده از روایات اسلامی به تبیین، توضیح و معرفی آثار حقوقی، سیاسی و اقتصادی آن پرداخته‌اند. گستره دارالاسلام از یک کشور به عنوان مشهورترین واحد سیاسی تا جهان اسلام به عنوان یک واحد سیاسی بزرگ‌تر - که شامل چندین کشور اسلامی است - قابل تعمیم است. دارالاسلام، کشور و سرزمین امت اسلامی و آن قسمت از جهان است که در قلمرو اسلام بوده و زندگی در آن تحت نفوذ احکام اسلامی است. (عمید زنجانی؛ ۱۳۷۳؛ ج ۲، ص ۲۳۳) نظرات و تعاریف در باب حدود دارالاسلام در میان فقها از جمله علامه حلی و شیخ طوسی در عین نزدیکی، دارای تفاوت است و تقسیم‌بندی توافقی دقیقی در این میان وجود ندارد. عمده نظراتی که درباره تعیین حدود و بیان تعریف سرزمین‌های اسلامی است، شامل موارد ذیل می‌باشد:

- سرزمین‌هایی که خود مسلمانان ساخته باشند.



- سرزمین‌هایی که متعلق به مسلمانان بوده و کفار آنها را تصرف کرده‌اند.
  - مناطقی که مسلمانان آنجا را فتح کرده و مالک شده‌اند.
  - سرزمین‌هایی که تحت سیطره حکومت اسلامی باشد و قوانین اسلامی در آنجا حکم‌فرما باشد.
  - سرزمین‌هایی که مسلمانان در آن آزادانه زندگی می‌کنند، اما دارای حکومت مستقل نیستند.
  - سرزمین‌هایی که از کشور اسلامی جدا شده‌اند.
  - سرزمین‌هایی که حکومت آن در دست مسلمانان باشد.
  - سرزمین‌هایی که جمعیت غالب آن مسلمانان باشند.
- البته بغات<sup>۱</sup> و اهل ذمه نیز می‌توانند با رعایت شرایطی و عدم محاربه با حکومت اسلامی در سرزمین‌های اسلامی زندگی کنند.

بنابر چنین دیدگاه‌های گوناگونی نسبت به مفهوم دارالاسلام، به سختی می‌توان تعریف واحدی ارائه کرد که تمامی موارد فوق را شامل شود و نظر فقها در تعریف سرزمین‌های اسلامی با تفاوت‌هایی همراه بوده است. از جمله منابعی که اصل دارالاسلام از آن استنباط می‌شود، حدیث مشهور امام صادق (ع) است که در آن به صراحت از «ارض الإسلام» نام برده شده است؛ «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ أَنَّهُ قَالَ: لَا بَأْسَ بِالصَّلَاةِ فِي الْفِرَاءِ [الْقَز] الْيَمَانِيِّ وَفِيمَا صُنِعَ فِي أَرْضِ الْإِسْلَامِ- قُلْتُ فَإِنْ كَانَ فِيهَا غَيْرُ أَهْلِ الْإِسْلَامِ- قَالَ إِذَا كَانَ الْغَالِبُ عَلَيْهَا الْمُسْلِمِينَ فَلَا بَأْسَ؛ اسحاق بن عمار از امام کاظم علیه السلام روایت نموده است که فرمود: نماز خواندن در پوستین‌های (مو دار چرمی) یمنی و آنچه در سرزمین مسلمین درست می‌شود، اشکالی ندارد. گفتم: اگر غیر مسلمان هم در بین آنها باشد چطور؟ فرمود: در صورتی که اغلب مسلمان‌ها باشند، اشکالی ندارد. فقها از قسمت پایانی این روایت- اذا كان الغالب عليها المسلمین- برداشت‌های کتفوتی نموده‌اند؛ عده‌ای این عبارت را به معنای کثرت و غلبه جمعیت مسلمانان تفسیر کرده‌اند و عده دیگری، از آن به معنای حکومت و تسلط مسلمانان تعبیر کرده‌اند؛ که این دو تعبیر، تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند. (کلانتری؛ صص ۱۱۷-۳۲)

### اهمیت حفظ دارالاسلام

معمول‌ترین و مشهورترین واحد سیاسی پذیرفته شده در نظام بین‌الملل، امروزه در شکل کشور، قابل شناسایی است که از چهار عنصر، سرزمین، جمعیت، دولت و حاکمیت تشکیل شده و بدیهی است که عدم وجود هر یک از این چهار عنصر،

۱. شورشیان



مفهوم کشور را دچار خدشه می‌کند؛ بنابراین، حفظ سرزمینی که غالب جمعیت آن مسلمان هستند- در قالب یک کشور- و تحت حاکمیت و نفوذ احکام اسلام قرار دارد، بدیهی می‌شود. امام خمینی(س) با تأکید بر حفظ و نگهداری دارالاسلام، در حکمی شرعی می‌فرماید:

«اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن، به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد، از بذل جان و مال». (امام خمینی؛ رساله توضیح المسائل؛ ص ۴۵۶، مسئله ۲۸۲۶)

البته، گاه در دیدگاه امام، ظرف واحد سیاسی برای دارالاسلام، فراتر از کشور است و همه کشورهای اسلامی را در بر می‌گیرد. به دلیل همین مبنای فقهی است که امام به مسئله حمایت از فلسطین تأکید و پای فشاری می‌نماید و در نامه به گورباچف می‌فرماید: «ما مسلمانان جهان را مانند مسلمانان کشور خود دانسته و همیشه خود را در سرنوشت آنان شریک می‌دانیم.» (امام خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۲۲۵) در سیره سیاسی حضرت امام مواردی وجود دارد که می‌توان از منظر قاعده فقهی حفظ دارالاسلام به آن نگریست. دعوت مسلمین به دفاع از سرزمین اسلامی، بذل جان و مال، حمایت از فلسطین و اعلام روز جهانی قدس، تأکید بر حفظ نظام اسلامی، حمایت از ملت افغانستان، نشان از جمله آرای است که با این قاعده فقهی اصالت می‌یابد. برخی از آراء و اصول سیاسی امام که بر گرفته از قاعده حفظ دارالاسلام است، عبارتند از:

#### ۱. اهتمام به امور مسلمین

«مسلمان اگر بخواهد اهتمام به امور مسلمین نداشته باشد که مسلمان [نیست]؛ «لیس بمسلم؛ من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم» هی هم بگو «لا اله الا الله» مسلم نیست این‌طور. اسلام آن است که به درد مسلمین بخورد؛ مسلم آن است که به درد مسلمین بخورد، برسد به درد مسلم.» (همان؛ ج ۳، صص ۳۴۰-۳۴۱) «اهتمام به امور مسلمین از اَوْجَبِ واجبات است. باید شما مهتم به این امر باشید، «و الا فلیس بمسلم» این از اموری است که لازم است بر همه ما.» (همان؛ ج ۳، ص ۴۱۴)

#### ۲. وحدت مسلمین

«مؤمن باید برادر مؤمن باشد، این حکمی است که در قرآن است؛ یعنی، آنچه را که شما برای برادران از خیر و صلاح می‌خواهید، برای تمام ملت‌تان باید بخواهید. همه مؤمن‌ها در همه اقطار عالم برادر هستند. همان طوری که اگر یک خطری برای برادر یک کسی پیش بیاید او نمی‌نشیند تماشا کند و خطر واقع بشود بر برادرش، اگر در یک گوشه دنیا یک خطری برای یک برادری پیش بیاید، برادر ایمانی پیش بیاید، نباید یک برادر دیگری که در آن طرف دنیا هست، بی تفاوت باشد.» (همان؛ ج ۱۳، ص ۱۵۲)

#### ۳. دفاع از سرزمین‌های اسلامی





امام در مصاحبه با نماینده «الفتح» درباره وجوب دفاع از سرزمین‌های اسلامی (فلسطین) می‌فرماید:

«زندگی یعنی عقیده و مبارزه در راه آن، «ان الحیاه عقیده و جهاد» و تردیدی نیست که از نظر شیوه تفکر اسلامی، مرگ از زندگی ذلت بار بهتر است و در وضع کنونی برای ما جز ادامه پیکار با همه نیروها و امکانات مان راهی وجود ندارد تا عزت و شرافت خود و آیندگان را در طول تاریخ با عظمت اسلامی به دست آوریم. قرآن می‌فرماید: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم» هر قدر که می‌توانید بر ایشان نیرو و سواره نظام آماده کنید تا بر دشمن خدا و دشمن خود چیره شوید. (همان؛ ج ۲، ص ۱۹۹)

#### ۴. حفظ حکومت اسلامی

«مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود و با این نشانه‌گیری‌هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می‌شود، از اهمّ واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی‌کند؛ و از اموری است که احتمال خلل در آن عقلاً منجز است.» (همان؛ ج ۱۹، ص ۱۵۳)

«اگر اسلام عزیز و جمهوری اسلامی نوپا به انحراف کشیده شود و سیلی بخورد و به شکست منتهی شود، خدای نخواستہ اسلام برای قرن‌ها به طاق نسیان سپرده می‌شود.» (همان؛ ج ۱۸، ص ۵)

#### قاعده نفی سبیل

یکی دیگر از قواعد فقه سیاسی اسلام، قاعده فقهی نفی سبیل است که در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی اسلام دارای اهمیت فراوانی است؛ بر این اساس، سلطه کافران بر مسلمانان نفی شده است. قاعده فقهی نفی سبیل از آیه کریمه قرآن برگرفته شده که می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ خداوند هرگز برای کافران، راه تسلط بر مؤمنان را قرار نداده است.» (نساء/۱۴۱)

عموم استفاده فقها از این آیه و قاعده فقهی نفی سبیل، بیشتر در حوزه مسائل سیاست خارجی و بین‌المللی اسلام و درباره تبیین کیفیت روابط مسلمانان با غیر مسلمانان است؛ اما برداشت‌ها و تفاسیر دیگری هم از آن شده است. برخی، مراد از این آیه و نفی سبیل را محصور در مسائل نظامی، سیاسی، اقتصادی ندانسته‌اند؛ در تفسیر نمونه آمده است: «از آنجا که کلمه سبیل به اصطلاح از قبیل نکره در سیاق نفی است و معنی عموم را می‌رساند؛ از آیه استفاده می‌شود که کافران نه تنها از نظر منطق، بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد.

اگر پیروزی آنها را بر مسلمانان در میدان‌های مختلف با چشم خود می‌بینیم به خاطر آن است که بسیاری از مسلمانان، مؤمنان واقعی نیستند و راه و رسم ایمان و وظایف و مسئولیت‌ها و رسالت‌های خویش را به کلی فراموش کرده‌اند؛ نه خبری



از اتحاد و اخوت اسلامی در میان آنان است و نه جهاد به معنی واقعی کلمه انجام می‌دهند و نه علم و آگاهی لازم را که اسلام آن را از لحظه تولد تا لحظه مرگ بر همه لازم شمرده است؛ دارند، و چون چنانند طبعاً چنینند! جمعی از فقها در مسائل مختلف به این آیه برای عدم تسلط کفار بر مؤمنان از نظر حقوقی و حکمی استدلال کرده‌اند و با توجه به عمومیتی که در آیه دیده می‌شود، این توسعه زیاد بعید به نظر نمی‌رسد.» (مکارم شیرازی؛ ج ۴، صص ۱۷۶-۱۷۵)

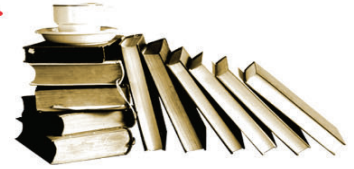
بیان اصل نفی سبیل در لسان امام بیشتر با مفهوم نفی سلطه همراه بوده و ایشان بر اساس این اصل فقهی و عقلانی با هرگونه سلطه اجانب و بیگانگان بر امور مسلمانان به طور قاطع مخالف است.

با توجه به نظام ناعادلانه حاکم به مناسبات بین‌المللی و روابطی که عمدتاً بر مدار زور و قدرت است، تعریف نوعی از منافع ملی که می‌تواند ناقض حقوق ملت‌های دیگر باشد، سوء استفاده از ملت‌های مستضعف و غارت منابع انسانی و سرزمین ملت‌های ضعیف و با توجه به نگاه ماکیاولیستی برخی دولت‌ها، همواره بیم آن می‌رود تا دولت‌هایی در پی سلطه، استعمار و استثمار ملت‌های جهان، به خصوص ملت‌ها و کشورهای اسلامی، به دلیل سرکوب نمودن روحیه ظلم ستیزی که منافی منافع شان است و به دلیل دارا بودن عمده ذخایر معدنی و زیرزمینی باشند. حضرت امام خمینی (س) به عنوان یک انقلابی آگاه و مصلحی که درد اصلاح همه ملت‌های اسلامی و حتی مستضعفین غیر اسلامی را در نهان داشت، بیش از هر شخص دیگری بر اهمیت نفی سلطه و استعمار و استضعاف آگاه بود و برای اقامه آن کوشید. ایشان همواره به ملت‌ها و دولت‌های اسلامی خطر استعمار، سلطه و وابستگی را گوشزد می‌نمود: «قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیر مسلم به مسلم قرار نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع بشود؛ یک تسلطی، یک راهی، حتی یک راه نباید پیدا بکند.» (امام خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۴، ص ۳۱۷)

حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید.» (همان؛ ج ۴، ص ۹۱) امام طی حکمی، دولت‌های اسلامی را ملزم به قطع ارتباط با قدرت‌هایی می‌نماید که در آن احتمال تسلط آنها است؛ «اگر در روابط سیاسی بین دولت‌های اسلامی و دول اجانب، خوف آن باشد که اجانب بر ممالک اسلامی تسلط پیدا کنند، اگر چه تسلط سیاسی و اقتصادی باشد، لازم است بر مسلمانان که با این نحو روابط مخالفت کنند و دول اسلامی را الزام کنند به قطع این گونه روابط.» (امام خمینی؛ رساله توضیح المسائل؛ ص ۴۵۶، مسئله ۲۸۳۰) برخی از اصول سیاسی امام که بر گرفته از قاعده نفی سبیل و اصل نفی سلطه است عبارتند از:

#### ۱. نفی ظلم و ظلم پذیری

«ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه آن مکتب خلاصه می‌شود در دو کلمه؛ لا تَظْلَمُونَ و لا تُظْلَمُونَ» (امام خمینی؛



صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۸۱)

## ۲. برائت از مشرکان

«اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است، باید در ایام حج به صورت تظاهرات و راهپیمایی با صلابت و شکوه هر چه بیشتر و بهتر برگزار شود... حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود و کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت ناس که در آن به هرچه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یا دون صفتی و نامردمی است، عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید میثاق «آلت برنگم» بت الهه‌ها و «اربابان متفرقون» شکسته شود و خاطره مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حرکت سیاسی پیامبر- صلی الله علیه و آله- در «و اذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر» زنده بماند و تکرار شود، چرا که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله- و اعلان برائت کهنه شدنی نیست.» (همان؛ ج ۲۰، ص ۳۱۴-۳۱۵)

## ۳. شعار «نه شرقی نه غربی»

«شعار نه شرقی و نه غربی ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجات بخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان نباید وابسته به غرب و اروپا و امریکا و نه وابسته به شرق، شوروی، که ان شاء الله تعالی به خدا و رسول خدا و امام زمان وابسته است و به‌طور قطع و یقین، پشت کردن به این سیاست بین‌المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا- صلی الله علیه و آله و سلم- و ائمه هدی- علیهم السلام- است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است که این سیاست، ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است.» (همان؛ ج ۲۰، ص ۳۱۹)

## ۴. دعوت به قیام و جهاد

«و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند؛ می‌بوسم و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم.» (همان؛ ج ۲۱، ص ۸۵)

«من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم. قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند، به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت‌پرستی است، ادامه می‌دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابره‌های مغضوب



دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهان‌خواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می‌نمایند؛ سلب خواهد کرد.» (همان؛ ج ۲۰، ص ۳۱۸-۳۱۹)

#### ۵. حفظ استقلال و آزادی

«ما برای حیات زیر سلطه غیر، ارزش قائل نیستیم. ما ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌دانیم. دستورات مذهبی ما، که مترقی‌ترین دستورات است، راه ما را معین فرموده است.» (همان؛ ج ۶، ص ۲۱۹)

«اصلی که غیر قابل تغییر است، این است که سیاست خارجی ما باید بر مبنای حفظ آزادی و استقلال کشور و نیز حفظ مصالح و منافع ملت ایران باشد.» (همان؛ ج ۴، ص ۴۱۴)

#### آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل

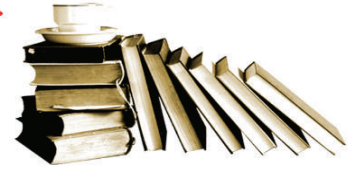
اصول و روش‌های سیاست خارجی کشورها در روابط بین‌الملل دارای تفاوت و اختلاف است. طیف بسیار وسیعی از دیدگاه‌ها در میان جوامع و کشورها نسبت به روابط بین‌الملل وجود دارد که گستره این طیف به اندازه تعدد نخبگان، دولت‌ها، احزاب و تغییر رویکرد و خواست ملت‌ها قابل تصور است.

آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی دو سوی طیف وسیع دیدگاه‌ها نسبت به روابط بین‌الملل است. این دو دیدگاه درباره مسائل بین‌الملل دارای اصول و روش‌های خاص خود هستند؛ تا جایی که اتخاذ سیاست در مورد مسایل مشابه، موجب نتایج کاملاً متضاد با یکدیگر می‌گردد. همچنین، نگرش این دو دیدگاه نسبت به ماهیت انسان، جامعه و سیاست دارای تفاوت‌های بنیادی و اساسی است که همین امر باعث پیدایش تضاد در عرصه بین‌المللی می‌گردد. (قربان زاده؛ ص ۴۰)

#### آرمان‌گرایی

آن‌چنان که قربان‌زاده می‌گوید: "آرمان‌گرایی به معنای تصویری از نظام بین‌الملل در آینده، به صورت اصلاح شده، آزاد و رها از سیاست قدرت، توطئه، دورویی، غیر اخلاقی و خشونت می‌باشد و از طریق اعمال استدلال، اصلاح محیط فیزیکی-اجتماعی، آموزش، احترام به ارزش‌ها، نهادهای صلح آمیز و ایجاد موانع برای بروز جنگ می‌توان شاهد جهانی بهتر و کامل‌تر و تحقق تصویر مطلوب بود. موضع‌گیری‌ها و راه‌حل‌های ارائه شده از سوی آرمان‌گرایان، ناشی از خوش بینی آنهاست." (همان؛ ص ۴۰)

آرمان‌گرایان بدون توجه به مسائل موجود در جهان و واقعیات روابط بین‌الملل، در صدد ایجاد تغییرات همگانی در جهان هستند. اینان به اصلاح همه‌گیر و سریع جوامع انسانی، انسان‌ها و سیاست در عرصه بین‌المللی معتقد هستند و تصویری خوش‌بینانه از نظام آینده بین‌الملل در ذهن دارند. مبارزه مسلحانه و براندازی فوری حکومت‌های نامطلوب در جهان، از



روش‌هایی است که آرمان‌گرایان برای دستیابی به نظام مطلوب جهانی، گاهاً به آن متوسل می‌شوند. برخی روش‌ها و بینش‌ها و اصول در دیدگاه آرمان‌گرایانه نسبت به روابط بین‌الملل عبارتند از:

- اصلاح انسان، جوامع انسانی و سیاست خارجی کشورها و اصلاح روابط بین‌الملل و نزدیکی به وضع مطلوب.
- گهگاه، اصلاح با روش‌های رادیکالی و مبارزه مسلحانه.
- جلوگیری از بروز جنگ و تحقق صلح.
- تبعیت سیاست از اصول اخلاقی و ارزشی.
- ماهیت نیک انسان.
- دیدگاه خوش‌بینانه نسبت به آینده.

#### واقع‌گرایی

واقع‌گرایان بر خلاف آرمان‌گرایان، در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، اصالت را به واقعیات موجود در جهان می‌دهند و در اتخاذ سیاست و نگاه به مسائل موجود در روابط بین کشورها به اصول اخلاقی و ارزشی ارج نمی‌نهند. اینان، نه به تغییر وضع موجود در جهان معتقدند و نه آن را عملی می‌دانند؛ چرا که می‌گویند: "افراد و جوامع انسانی به دنبال افزایش منافع خود بوده و طبعاً، حرص آنان به جنگ و تعارض منجر می‌شود. در این صورت تنها اقدام ممکن، تعدیل وضع موجود از طریق برقراری توازن قوا و قطب‌بندی جامعه بین‌الملل است."

واقع‌گرایان معتقدند که هیچ خوبی و خیری جز واقعیات ملموس در جهان وجود ندارد و همواره در صدد کسب و افزایش قدرت و منافع ملی هستند. حفظ و افزایش منافع ملی و نفی اهمیت اصول اخلاقی در نظام بین‌الملل از اصول واقع‌گرایی است. (همان؛ صص ۴۵-۵۱) ماکیاولی، واقع‌گرایی را خیال‌پرداز و نابودگر می‌خواند و می‌گوید: «مرا سر آن است که سخنی سودمند از بهر آن کس که گوش شنوا دارد، پیش کشم و بر آنم که به جای خیال‌پردازی، به واقعیت روی می‌باید کرد... شکاف میان زندگی واقعی و زندگی آرمانی چندان است که هرگاه کسی واقعیت را به آرمان بفروشد؛ به جای پایستن خویش، راه نابودی را در پیش می‌گیرد.» (ماکیاولی؛ ص ۱۳۳) بنابراین می‌توان اصول، روش‌ها و معتقدات دیدگاه واقع‌گرایانه در روابط بین‌الملل را در موارد ذیل خلاصه کرد:

- اصالت واقعیات موجود در جهان در مقابل ارزش‌ها و اصول اخلاقی.
- افزایش قدرت و حفظ و افزایش منافع ملی.
- محوریت منافع ملی در مناسبات بین‌المللی و سیاست خارجی.



- کاهش شر از طریق توازن قوا و نه تحصیل خیر مطلق.
- نفی امکان اصلاح انسان، جامعه و سیاست.
- انسان و جوامع انسانی، خودخواه و قدرت طلب هستند.
- در منازعات و مناسبات بین‌المللی حق با قوی‌تر است.
- جلوگیری از جنگ توسط توازن قوا.

دیدگاه امام خمینی(س) نسبت به روابط بین‌الملل

دیدگاه امام نسبت به روابط بین‌الملل، تلفیقی از دو دیدگاه مذکور است؛ اما نمی‌توان همه وجوه یاد شده در بحث آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی را در دیدگاه امام نسبت به روابط بین‌الملل یافت؛ زیرا همان‌طور که ذکر شد، طیف وسیعی از دیدگاه‌ها درباره کیفیت روابط بین‌الملل در جهان وجود دارد- و البته می‌تواند در نزد برخی از دولت‌ها و ملت‌ها در حال تغییر باشد- و هر دیدگاه، نسبت مشخصی از دو مقوله آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی را در خود جای داده باشد. آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در نگاه امام منبعث از سه اصل: دعوت، حفظ در اسلام و نفی سبیل و عمل به تکلیف الهی در این موارد است.

یکی از تفاوت‌های جهان‌بینی الهی و توحیدی با جهان‌بینی مادی، مسئله شناخت راه صواب و تحصیل حقایق و عمل‌گرایی مبتنی بر آن است. طبیعتاً، شناخت و عقلانیتی که از سرچشمه علم الهی به دور باشد؛ نمی‌تواند بهره‌افری از حقایق برده و راه صواب را طی کند. اما ملاک عمل در بینش توحیدی، مبتنی بر علم و قوانین الهی و عقلانیتی است که در مکتب توحید پرورش یافته و شکوفا شده است.

در بینش توحیدی حضرت امام، قوانین الهی و احکام منبعث از دین، منشور جاوید ملاک عمل است: «ارزش انسان به این است که توجه بکند که چه باید در مقابل خدای تبارک و بندگان خدای تبارک و تعالی بکند، چه تکلیفی انسان دارد در مقابل خدا و در مقابل بندگان خدا که از خدا هستند؛ این ارزش است» (امام خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۱۶، ص ۴۵۰)

همچنین، عنصر اساسی مصلحت می‌تواند قابلیت انعطاف بیشتری را در تصمیم‌گیری در حوزه روابط بین‌الملل ایجاد کند. البته، تشخیص مصلحت مخصوصاً در مسایل کلانی مانند روابط بین‌الملل، ارتباط تنگاتنگی با ولایت فقیه پیدا می‌کند. امام بر این عقیده است که احکام اساسی و اصول اسلام، جزمی است و قابل انعطاف نیست. اما بسیاری از قوانین اسلام خاصیت انعطاف‌پذیری را دارا است. (همان؛ ج ۴، ص ۱۷۲) امام به آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی، اصول و روش‌ها در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی از دریچه دین اسلام می‌نگرد؛ چرا که معتقد است جامعیت تعالیم اسلامی می‌تواند همه شئون زندگی انسان را در برگیرد.

به طور کلی می‌توان اصول و روش‌های امام را در مورد مسایل روابط بین‌الملل و سیاست خارجی در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. عمل به تکلیف، به عنوان یک اصل اساسی:



«ما تکلیف شرعی داریم... ما تکلیف شرعی خودمان را عمل می‌کنیم. من این‌طور تشخیص دادم که باید این کار را بکنیم. اگر پیش بردیم، هم به تکلیف شرعی عمل کرده‌ایم، هم رسیده‌ایم به مقصد. اگر پیش نبردیم، به تکلیف شرعی مان عمل کرده‌ایم.» (همان؛ ج ۸، ص ۱۰)

۲. اهمیت حفظ اسلام:

«حفظ اسلام یک فریضه الهی است.» (همان؛ ج ۱۵، ص ۳۲۹)

۳. اهمیت حفظ منافع ملی:

«اصلی که غیر قابل تغییر است، این است که سیاست خارجی ما باید بر مبنای حفظ آزادی و استقلال کشور و نیز حفظ مصالح و منافع ملت ایران باشد.» (همان؛ ج ۴، ص ۴۱۴)

۴. احساس مسئولیت نسبت به جهان اسلام:

«ما مسلمانان جهان را مانند مسلمانان کشور خود دانسته و همیشه خود را در سرنوشت آنان شریک می‌دانیم.» (همان؛ ج ۲۱، ص ۲۲۵)

۵. تأکید به ترویج و صدور ارزش‌ها در آرمان اصلاح جهانی:

«باید ارزش‌های انسانی را از اینجا به همه جا صادر کنید.» (همان؛ ج ۱۷، ص ۴۱۱)

۶. تأکید به سرشت پاک انسانی و در عین حال، تأکید بر لزوم تربیت انسانی:

«جمع معارف حقه از اموری است که حق، تعالی شأنه، مفضول فرموده بندگان را بر آن» (امام خمینی؛ شرح چهل حدیث؛ ص ۱۸۰)

«با تربیت انسان، عالم اصلاح می‌شود... اساس عالم بر تربیت انسان است.» (امام خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۱۵۳)

۷. گوشزد نمودن استعداد انسان در دو عرصه خیر و شر:

«انسان یک موجود عجیبی است... اعجوبه‌ای است که از او یک موجود الهی ملکوتی ساخته می‌شود و یک موجود جهنمی

شیطانی هم ساخته می‌شود.» (همان؛ ج ۱۳، ص ۲۸۵)

۸. تأکید بر اهمیت جهاد و مبارزه:

«تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم.» (همان؛ ج ۲۱، ص ۸۸)

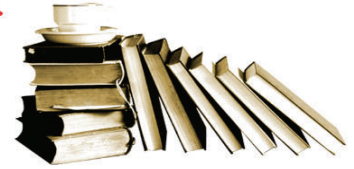
۹. تأکید به اهمیت صلح:

«از خدای تعالی ایجاد صلح و صمیمیت در میان همه ملت‌ها و قطع ایادی استعمارگران و به خصوص ابرقدرت‌های ستمکار

را از سر مستضعفین جهان مسألت دارم.» (همان؛ ج ۱۲، ص ۳۴۲)

۱۰. تبعیت سیاست از اخلاق:

«سیاست، خدعه نیست... اسلام سیاست است.» (همان؛ ج ۱۰، ص ۱۲۵)



### نتیجه‌گیری

الف- بیشتر مترجمان واژه «رابطوا» را در آیه شریفه «یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا» (آل عمران/ ۲۰۰) به آمادگی رزمی و دفاعی ترجمه کرده‌اند، اما عمید زنجانی در فقه سیاسی آن را به معنی برقراری ارتباط ترجمه کرده است. (عمید زنجانی؛ ۱۳۸۸؛ ص ۲۸۰)

ب- البته برخی درباره اهمیت مسئله دعوت و تبلیغ در گسترش ادیان و به خصوص ادیان ابراهیمی معتقدند که دین یهودیت تبلیغ ندارد و افزایش تعداد پیروانش را کمال نمی‌شمارد. (توفیقی؛ ص ۱۴۸) اما مسیحیان با استفاده از دعوت و تبلیغات توانسته‌اند توفیق بسیاری را گسترش این دین کسب کنند. افزون بر این، شایان ذکر است ترویج مسیحیت در قرون اخیر مرهون سیاست‌های استعماری دولت‌های غربی نیز بوده است.

ج- بغات، به شورشیان علیه حکومت اسلامی گفته می‌شود.

د- در نظام حقوقی اسلام به فرد یا گروه‌های دینی اهل کتاب و زرتشتیان که با انعقاد پیمان و قرارداد (ذمه) به امت اسلامی می‌پیوندند و طی آن می‌توانند در سایه حکومت اسلامی زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند، اهل ذمه می‌گویند. (عمید زنجانی؛ ۱۳۸۸؛ ص ۲۱)

ه- حکم امام درباره نویسنده کتاب آیات شیطانی یکی از مصادیق بارز قوانین اصولی و غیر انعطافی اسلام است. حکم اعدام سلمان رشدی در حالی از سوی امام صادر می‌شود که امکان وجود تبعات منفی اقتصادی و سیاسی برای کشورمان وجود داشت؛ اما امام با آگاهی از همه این مسائل، و جوب اعدام نویسنده کتاب آیات شیطانی را اعلام می‌نماید و می‌فرماید: «ترس من این است که تحلیل‌گران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ و نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم! خلاصه کلام این که ما باید بدون توجه به غرب حيله‌گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان، در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم.» (امام خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۲۱؛ صص ۲۹۲-۲۹۱)





## منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- موسوی خمینی؛ سید روح‌الله، صحیفه امام؛ نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- اردبیلی، سید عبد الغنی (۱۳۸۱)، تقریرات فلسفه امام خمینی (س)، ۱۳۸۱، چ ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- توفیقی، حسین (۱۳۷۸)، آشنایی با ادیان بزرگ، چ ۱۱، تهران: انتشارات سمت.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان، چ ۱، تهران: کتاب فروشی لطفی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳)، فقه سیاسی، چ ۳، ۲، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸)، فقه سیاسی: حقوق معاهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، چ ۴، تهران: انتشارات سمت.
- قربان‌زاده سوار، قربانعلی (۱۳۸۶)، روابط بین الملل از دیدگاه امام خمینی (س)، چ ۱، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- کلانتری، علی اکبر، دارالاسلام و دارالکفر و آثار ویژه آن دو؛ مجله فقه؛ زمستان ۷۵، ش ۱۰.
- ماکیاولی، نیکولو (۱۳۸۸)، شهریار؛ ترجمه داریوش آشوری، چ ۲، تهران: انتشارات آگاه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، چ ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- موسوی خمینی؛ سید روح‌الله (۱۳۸۳)، شرح چهل حدیث؛ چ ۳۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- موسوی خمینی؛ سید روح‌الله، رساله توضیح المسائل؛ نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).



## Examining the jurisprudential foundations of international relations from Imam Khomeini's point of view

### Abstract:

Social characteristics and the natural, instinctive and rational needs of humans have always been the origin of the relationship between humans. The history of these relationships also began from the time when mankind was forced to cooperate with the surrounding environment for the growth and development of this relationship. Due to the benefit of each land from special God-given gifts and its lack of concentration in all lands, social man has tried to communicate with other people in the form of primitive social units and primitive societies since ancient times. Societies add to their perfection and through this way, exchange, influence, influence has been an obvious thing between human societies and humans. Therefore, the principle of relationship is inevitable for humans as a main social being. In this research, while examining the necessity of relationships between human societies, and the evolution of this relationship, especially in the form of modern communication under the title of international relations, the perspective We will study Imam Khomeini's attitude towards international relations from the point of view of jurisprudence.

**Key words:** jurisprudential foundations, international relations, Imam Khomeini (RA), Islamic relations.